

بررسی ریسک نقدینگی در بانک‌های تجاری با رویکرد مروری

ساره نیکونهاد^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت، دانشگاه پیام نور، واحد تهران غرب، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۸

Investigating Liquidity Risk In Commercial Banks With A Review Approach

Sare nikoonahad¹Master student, Management, Payame Noor University, West Tehran Branch, Tehran, Iran¹

Received: (24/04/2021)

Accepted: (29/05/2021)

Abstract:

Bankruptcy and losses of many banks In the recent financial crisis in the global economy, the importance of paying attention to the liquidity of commercial banks as an indicator that can indicate the health and stability of the banking system has doubled. Liquidity risk is a subordinate risk and can arise from operational risks, information systems risk, credit risk, exchange rate risk, and so on. The purpose of this study is to investigate the factors affecting liquidity risk in commercial banks. The research method in the present study is interpretive-analytical and the tools used in this research have been library and documentary studies. The results of this study show that fluctuations in many variables such as: GDP, inflation rate, exchange rate and other macroeconomic variables have a significant effect on liquidity risk and increasing liquidity risk has reduced banking stability and increased the likelihood of bankruptcy of banks. .

Keywords

Liquidity risk, commercial banks, credit risk, financial stability

چکیده

ورشکستگی و زیان بسیاری از بانک‌ها در بحران مالی اخیر در اقتصاد جهانی، اهمیت توجه به نقدینگی بانک‌های تجاری را به عنوان شاخصی که می‌تواند نشان دهنده سلامت و ثبات سیستم بانکی باشد، دوچندان کرده است. ریسک نقدینگی یک ریسک تبعی است و می‌تواند از ریسک‌های عملیاتی، ریسک سیستم‌های اطلاعاتی، ریسک اعتباری، ریسک نرخ ارز و ... نشأت بگیرد. هدف مطالعه حاضر بررسی عوامل تأثیرگذار بر ریسک نقدینگی در بانک‌های تجاری است. روش تحقیق در پژوهش حاضر، تفسیری-تحلیلی است و ابزار مورد استفاده در این پژوهش، مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نواسانات متغیرهای بسیاری از جمله: تولید ناخالص ملی، نرخ تورم، نرخ ارز و سایر متغیرهای کلان اقتصادی تأثیر معناداری بر ریسک نقدینگی دارند و افزایش ریسک نقدینگی نیز باعث کاهش ثبات بانکی و بالا رفتن احتمال ورشکستگی بانک‌ها شده است.

واژه‌های کلیدی

ریسک نقدینگی، بانک‌های تجاری، ریسک اعتباری، ثبات مالی

مقدمه

امروزه اقتصاد دانان معتقدند سیستم مالی با ثبات پیش نیاز رشد اقتصادی پایدار است و پیش نیاز ثبات سیستم مالی، تعدیل و تنظیم نظام بانکی از طریق کاهش احتمال ورشکستگی بانکی و به عبارتی بهبود ثبات مالی نظام بانکی می باشد (تانکویا و همکاران، ۲۰۱۸). با عنایت به ماهیت عملکرد نظام بانکی همواره عواملی وجود دارند که ثبات و پایداری آن را به خطر می اندازند. به ویژه عوامل و مسائل ناشی از نقص ساختاری بازار، اعطای تسهیلات و نااطمینانی به مراتب اثرات مخرب تری را متوجه این نظام می کنند. از جمله این عوامل ریسک های مالی موجود به ویژه ریسک نقدینگی در نظام بانکی است که بنا بر ماهیت فعالیت این نظام همواره با آن مواجه می باشند (ایمبیرویچ و راش، ۲۰۱۴). ریسک در اصطلاح به معنی امکان وقوع یک خسارت و زیان اعم از مالی یا غیر مالی در نتیجه انجام یک فعالیت است. ریسک در هر حیطة ای قابلیت مطرح شدن دارد که یکی از این حیطة ها، بانک و فعالیت های بانکداری است و بانک ها به علت اهمیت به سزایی که در نظام اقتصادی دارند در این زمینه مورد توجه خاص قرار می گیرند. دلایل وجود ریسک در بانک را با نوع کارکرد آن می توان توجیه کرد، چرا که بانک ها از یک سو سرمایه های مردم را که در قبال آن مسئولیت دارند جمع آوری کرده و از سوی دیگر با استفاده از این سرمایه ها اقدام به انجام عملیات بانکی و فعالیت های اقتصادی می کنند (مازین ۲۰۰۹). معمولاً بحث در مورد ریسک نقدینگی پس از سقوط بازار سهام شکوفا می شود، اما همیشه یک مشکل مستمر در مؤسسات مالی بوده است. داشتن نقدینگی کافی، در موفقیت بانک ها برای انجام کارکردشان نقش حیاتی بازی می کند. در واقع نقدینگی، توانایی بانک را برای کاهش بدهی ها و افزایش دارایی ها بالا می برد. زمانی که بانک نقدینگی کافی نداشته باشد ممکن است با بحران نقدینگی مواجه شود. بنابراین مدیریت نقدینگی یکی از بزرگترین چالش های حال حاضر است که سیستم بانکداری با آن روبرو است (مازین ۲۰۰۹). دلیل اصلی این چالش این است که بیشتر منابع بانک ها از محل سپرده های کوتاه مدت تأمین مالی می شود. علاوه بر این تسهیلات اعطایی بانک ها صرف سرمایه گذاری در دارایی هایی می شود که درجه نقد شوندگی نسبتاً پایینی دارند (زواریان، ۱۳۸۸). وظیفه اصلی بانک ایجاد توازن بین تعهدات کوتاه مدت مالی و سرمایه گذاری های بلندمدت است. نگهداری مقادیر ناکافی نقدینگی، بانک را با خطر عدم توانایی در ایفای تعهدات و در نتیجه ورشکستگی قرار می دهد و نگهداری مقادیر فراوان نقدینگی، نوع خاصی از تخصیص ناکارآمد منابع است که باعث کاهش نرخ سوددهی بانک به سپرده های مردم و در نتیجه از دست دادن بازار می شود (اچاربا و پدرسون، ۲۰۰۵).

کمیتة بال (۲۰۰۸) ریسک نقدینگی را فقدان نقدینگی لازم به منظور پرداخت بدهی های کوتاه مدت و خروجی های غیرمنتظره و جوه تعریف کرده است و آن را یکی از متداول ترین ریسک هایی می داند که بانک ها با آن روبرو هستند و این از جمله پدیده هایی است که در سال های اخیر در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه رخ داده است. با توجه به اینکه میزان نقدینگی در تشخیص میزان سلامت بانک اهمیت فراوان دارد و کمبود آن می تواند به بروز ریسک نقدینگی و ورشکستگی آن منجر شود، بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر ریسک نقدینگی به منظور جلوگیری از بروز بحران های مالی و اقتصادی، اهمیت و ضرورت بیشتری می یابد.

مبانی نظری

هنگامی که اقتصاد در دوره رونق قرار می گیرد، شاخص بورس (شاخصی پیشرو و معروف به دماسنج اقتصاد در ادبیات اقتصاد مالی) نیز هم جهت با رشد اقتصادی از روندی مثبت برخوردار است و اشتیاق برای ورود به بازار سهام به دلیل سودآور بودن آن نسبت به نگهداری دارایی ها به صورت پول نقد افزایش می یابد و این افزایش تقاضا برای سرمایه گذاری در بازار سهام منجر به تغییر ترکیب سپرده های بانکی به سمت سپرده های فرار و خروج سپرده ها و در نهایت کمبود نقدینگی و افزایش ریسک نقدینگی خواهد شد. اما در دوران رکود، بازده سپرده های بانکی جذاب تر از درآمدزایی دارایی هایی چون طلا، ارز و مانند آنهاست، بنابراین به سبب کاهش میزان تقاضا و تمایل برای ورود به بازار سهام، بانک ها با مشکل کمبود نقدینگی مواجه نخواهند شد. همچنین نوسان نرخ تورم اثری مثبت بر ریسک نقدینگی بانک ها دارد و در واقع به افزایش آن منجر می شود. این نیز با مبانی نظری و شواهد تجربی سازگاری کامل دارد، زیرا افزایش نوسان در نرخ تورم منجر به ایجاد نوسان در ارزش کل دارایی ها (دارایی های نقد و نرخ بازده دارایی ها) شده و بنابراین در چنین شرایطی ترکیب سپرده های بانکی تغییر یافته (از سپرده های مدت دار به سپرده های فرار) و تقاضای سپرده گذاران برای خروج سپرده های خود و ورود به بازارهای موازی افزایش می یابد، این خروج ناگهانی سپرده ها از بانک ها منجر به بروز مشکلات ناشی از کمبود نقدینگی شده و بانک ها را در معرض ریسک نقدینگی بالاتری قرار می دهد (کفائی، م. راهزانی، م. ۱۳۹۵).

مراحل ناپایداری و درماندگی مالی شرکت ها را به دوره های نهفتگی، کسری وجه نقد، عدم توانایی در پرداخت دیون مالی یا تجاری و

عدم قدرت پرداخت دیون به طور کامل و در نهایت ورشکستگی تقسیم کرد. گرچه اغلب از این مراحل پیروی می کنند، اما برخی شرکت ها ممکن است بدون طی همه مراحل به ورشکستگی کامل برسند (نیوتن، ۲۰۱۰). از آنجایی که آزادسازی و نوسانات بازارهای مالی، سبب افزایش رقابت و تنوع گرایی آنها در مقابل ریسک های جدید شده، بانک ها در کشورهای توسعه یافته به این نتیجه رسیده اند که با مدیریت ریسک های مختلف، به گونه ای عمل کنند که همچنان در بازار رقابت شدید، به طور سودآور به حرکت خود ادامه دهند و تهدیدهای پیرامون خود را تبدیل به فرصت های سودآور نمایند. در نقطه مقابل استراتژی ها و عکس العمل های افراد و سازمان ها در مقابل ریسک اغلب درصدد حذف یا پنهان کردن اثر آن می باشد. ولی این کار فقط برای مدت کوتاهی می تواند اثربخش باشد و در صورت عدم توجه، در بلندمدت خود را به صورت یک بحران ظاهر می گرداند. از این رو راه حل اساسی برای این مسأله، مدیریت ریسک می باشد نه حذف آن، که در این صورت نه تنها از شوک های ناگهانی جلوگیری کرده، بلکه بهترین استفاده را نیز از فرصت ایجاد شده کسب می کند (بیکر، ۲۰۱۷).

عواملی که ممکن است به صورت کلی ریسک نقدینگی را افزایش دهند، عبارتند از:

- سوء مدیریت اقتصادی از سوی دولت و شرایط عمومی عدم اطمینان اقتصادی
- تحلیل رفتن تدریجی اعتماد به نظام بانکی در یک کشور
- تحلیل رفتن تدریجی اعتماد به یک بانک
- وابستگی به یک بازار یا چند طرف تجاری محدود برای دریافت سپرده ها، افزایش وام گیری کوتاه مدت و پرداخت وام درازمدت.

برای کاهش یا خنثی کردن این عوامل می توان اقدامات زیر را انجام داد:

- تنوع در انواع سپرده ها و به حداقل رساندن تمرکز روی یک منبع از سپرده ها
- کاهش اتکا به دریافت وجوه در بازار بین بانکی
- دسترسی به وجوه از طریق شرکا
- نگهداری سطح مناسبی از دارایی های نقد
- بیمه کردن سپرده ها (که از سلب تدریجی اعتماد جلوگیری می کند)
- کنترل مدیریت بر تطابق ساختار سررسید دارایی ها و بدهی ها و نظارت بر نسبت وام به سپرده
- دسترسی به خطوط اعتباری آماده از سایر بانک های بزرگ و یا بانک مرکزی (یزدان پناه و شکیب حاجی آقا، ۱۳۸۸).

در مواقع اضطراری و غیرمنتظره، تنوع دارایی بانک ها در سراسر جهان باعث می شود مدیریت ریسک در بانک ها بهبود یابد و در نتیجه سودآوری و ارزش افزوده سهام داران بالا می رود. با تبدیل دارایی های معامله ناپذیر به دارایی های معامله پذیر در بازار، قدرت راهبری مدیریت و برنامه ریزی بانک ها افزایش می یابد و باعث می شود:

- مدیریت نقدینگی بانک ها بهبود یابد و ریسک نقدینگی کم شود.
- کیفیت دارایی ها از جمله وام ها افزایش یابد و در نتیجه از ریسک اعتباری کاسته شود.
- کاهش میزان دارایی های موزون شده بر مبنای ریسک، نسبت کفایت سرمایه در بانک ها را بهبود می بخشد (یزدان پناه و شکیب حاجی آقا، ۱۳۸۸).

برای اندازه گیری ریسک نقدینگی از روش های مختلفی استفاده می شود که برخی از آنها عبارتند از:

- ✓ تعیین منابع و مصارف نقدینگی و محاسبه خالص وضعیت نقدینگی
- ✓ محاسبه نسبت های ترازنامه و مقایسه با نسبت های متوسط صنعت
- ✓ شاخص نقدینگی: معیاری است برای اندازه گیری زیان های بالقوه بانک به واسطه نقد کردن فوری دارایی ها در مقایسه با ارزش بازار آنها، تحت شرایط عادی

ساره نیکونهاد: بررسی ریسک نقدینگی در بانک های تجاری با رویکرد مروری

- ✓ محاسبه فاصله تأمین مالی و تخمین نیازهای تأمین مالی
- ✓ اندازه گیری ارزش فعلی خالص ترازنامه بانک (یزدان پناه و شکیب حاجی آقا، ۱۳۸۸).

برخی شاخص های مورد پایش در مدیریت ریسک نقدینگی به شرح زیر می باشند:

- ❖ نسبت های تمرکز سپرده ها و تسهیلات
- ❖ نسبت دارایی نقد و معادل نقد به کل سپرده ها
- ❖ نسبت دارایی نقد و معادل نقد به کل دارایی ها
- ❖ شکاف نقدینگی
- ❖ نسبت تسهیلات به کل سپرده ها
- ❖ نسبت تسهیلات به سپرده های یک ساله و بالاتر
- ❖ نسبت سپرده های فرار به کل سپرده ها

پیشینه تحقیق

The effects of liquidity risk and credit risk on bank MENA region (2017). stability: Evidence from the

تأثیر خطر نقدینگی و ریسک اعتباری بر ثبات بانک: شواهدی از منطقه منا (۲۰۱۷)

این مطالعه به بررسی منابع اصلی شکنندگی بانک داری می پردازد. در این پژوهش به بررسی یک نمونه با ۴۹ بانک فعال در منطقه منا در طول سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ پرداخته است تا رابطه بین ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری و تأثیر آن بر ثبات بانکی را مورد ارزیابی قرار دهد. نتایج نشان می دهد که ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری به طور همزمان با فاصله زمانی دارای رابطه متقابل و از لحاظ اقتصادی معنی دار نیستند. با این حال هر دو ریسک به طور جداگانه بر ثبات بانک تأثیر می گذارند و تعامل آنها موجب بی ثباتی بانک می شود. این یافته ها به عنوان پایه ای برای تلاش های نظارتی آینده که با هدف تقویت مدیریت ریسک مشترک خطرات نقدینگی و اعتباری است، به کار می رود.

Funding liquidity and bank risk taking (2016).

ریسک نقدینگی و ریسک پذیری بانک (۲۰۱۶)

خان و همکاران در این پژوهش به بررسی ارتباط بین نسبت سپرده و ریسک پذیری بانک های ایالات متحده طی سال های ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۴ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد کاهش در ریسک نقدینگی که ناشی از افزایش در نسبت کل سپرده ها به کل دارایی هاست، منجر به افزایش ریسک پذیری بانک با استفاده از معیارهای دارایی های ریسک دار، باعث ایجاد نقدینگی می گردد. همچنین نشان دادند اندازه بانک و سپرده های سرمایه ای و بحران های مالی جهانی، ریسک پذیری بانک ها را در زمان رویارویی با ریسک نقدینگی پایین محدود می کنند.

مدیریت ریسک نقدینگی و مشارکت مشتریان در تأمین نقدینگی بانکی (۱۳۹۹)

در این پژوهش تلاش شده است با هدف تأمین نقدینگی بانک به منظور کاهش ریسک نقدینگی در بانک تجارت، عوامل مؤثر بر تصمیم گیری مشتریان مبتنی بر سپرده گذاری و دریافت تسهیلات بانکی، شناسایی شده و در فضای فازی شهودی اولویت بندی شوند. نتایج این پژوهش نشان داد که از میان عوامل مؤثر بر تصمیم سپرده گذاری مشتریان؛ سود سپرده بانکی، شاخص جامعه، تجربه مشتری، سرعت و دقت در ارائه خدمات و برخورد کارکنان در اولویت های اول تا پنجم اهمیت قرار دارند.

بررسی اثرات ریسک نقدینگی و اعتباری بر ثبات بانکی ایران با استفاده از شاخص Z-score (۱۳۹۹)

هدف محوری این پژوهش بررسی اثرات ریسک نقدینگی و اعتباری بر ثبات بانکی ایران با استفاده از شاخص Z-score بدون تورش می باشد. در این راستا اطلاعات مالی ۱۸ بانک کشور طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ گردآوری شده است. یافته های این مطالعه نشان می دهد که به طور متوسط ثبات و پایداری مالی بخش بانکی طی سال های مورد مطالعه دارای

نوساناتی بوده است و شواهد موجود حاکی از وخیم تر شدن وضعیت ثبات بانکی ایران نسبت به سال‌های قبل از شروع تحریم‌های بانکی بوده است و نیز ریسک نقدینگی و اعتباری به طور معنی داری باعث کاهش ثبات بانکی شده اند، اما اثر تعاملی دو ریسک مذکور بر ثبات بانکی به لحاظ آماری معنی دار نبوده است.

تأثیر همزمان ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری بر ثبات بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۹۸)

مقاله حاضر به بررسی اثرات همزمان ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری بر ثبات بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. برای کاهش ریسک نقدینگی، کاهش جریان‌های بازپرداخت وام و نیز درخواست‌های جدید وام را با کنترل ریسک اعتباری و شناسایی مشتریان همراه ساخته و از این رو با همبستگی بیشتر در کنترل ریسک گام‌های مؤثری را برداشت. دارایی‌های استهلاک‌پذیر، نسبت به دارایی‌های استهلاک‌ناپذیر، جریان‌های نقد بیشتری را قبل از سررسید ایجاد می‌کنند. برنامه‌ای را که با افزایش نگهداری وام‌های استهلاک‌پذیر و در مقابل کاهش وام‌های استهلاک‌ناپذیر همراه است، می‌توان به عنوان یک برنامه بهبود نقدینگی در نظر گرفت. مطابق نتیجه مدل ثبات بانکی، می‌توان بیان داشت که تأثیر همزمان متغیرهای ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری بر شاخص ثبات بانکی معنادار است و تأثیر متغیرهای اندازه بانک و نسبت سرمایه بر شاخص ثبات بانکی، مثبت و معنادار است.

بررسی تعامل راهبردی در ریسک نقدینگی در بانک‌های ایران (۱۳۹۸)

هدف از این مطالعه، بررسی سیستماتیک نفوذ همتایان یا تعامل راهبردی در ریسک تأمین نقدینگی در نظام بانکی ایران است و اینکه آیا تصمیمات مربوط به نقدینگی تحت تأثیر انتخاب رقبا قرار دارد یا نه. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که متغیرهای کنترلی آثار برونزا یعنی نسبت سپرده به دارایی، اندازه و تخصص‌گرایی خود بانک نیز رابطه مثبت و معناداری با ریسک تأمین نقدینگی بانک دارد و تخصص‌گرایی رقبا رابطه منفی و معنادار، و نسبت سپرده به دارایی رقبا رابطه مثبتی با ریسک تأمین نقدینگی بانک دارد. ولی به طور کلی می‌توان گفت که بانک‌های کوچک به شدت تحت تأثیر رفتار رقبای بزرگتر خود قرار دارند تا رقبای هم اندازه.

بررسی تأثیر نرخ‌های سود بین بانکی بر ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۹۶)

در این تحقیق به بررسی تأثیر نرخ‌های سود بین بانکی بر ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از نوع تحقیقات همبستگی، از انواع تحقیقات توصیفی می‌باشد و شیوه استدلال پژوهش، قیاسی-استقرایی است. در نتیجه این پژوهش وجود تأثیر معنادار نرخ‌های سود بین بانکی بر ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری مورد تأیید قرار گرفت.

افزایش ریسک نقدینگی در سایه تغییرات در ترازنامه شبکه بانکی و مخاطرات امنیت پولی (۱۳۹۷)

در بازار پول، نهادهای مالی بانکی و نهادهای مالی غیر بانکی، بار اصلی نظام مالی را بر دوش می‌کشند و نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت منابع به سمت تولید و ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد دارند. در سال‌های اخیر، نظام بانکی کشور با مسائل مختلفی مواجه بوده که موجب تغییر دارایی‌ها و بدهی‌های شبکه بانکی شده است. تغییرات یاد شده، به طور مستقیم عملکرد و ثبات نظام بانکی را تحت تأثیر قرار داده است. وضعیت و عملکرد نظام بانکی می‌تواند تأمین مالی، عملکرد تولید و امنیت اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار دهد و از این رو، توجه به آن ضروری است. بنابراین در این گزارش، نخست، وضعیت و روند ترازنامه و تسهیلات دهی شبکه بانکی کشور به صورت کلی و جزئی طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس وضعیت خالص دارایی‌های خارجی شبکه بانکی بررسی و ملاحظات امنیت اقتصادی آن بیان و در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاسی ارائه می‌شود.

نقد رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)

در این مقاله رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی ایران ارزیابی و کاستی‌های آن مطرح خواهد شد. در کنار ارزیابی و نقد این رهنمود که دقیقاً در زمان وقوع بحران مالی اخیر و بر اساس رویکرد رهنمود کمیته بال در مدیریت ریسک نقدینگی منتشره در سال ۲۰۰۰، طراحی شده است؛ شناسایی دیگر شکاف‌های مقرراتی و معرفی ضرورت تنظیم مقرراتی در حوزه‌های شناسایی شده می‌تواند به عنوان گام مؤثری در حرکت به سمت تنظیم ساختار جامع مقرراتی مناسب در مدیریت

ریسک نقدینگی و سوق بانک ها به سمت بکارگیری آنها و در نهایت، اجرای مناسب مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی در نظر گرفته شده است.

تأثیر ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری بر پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران؛ رهیافت رگرسیون چندک (۱۳۹۷)

این تحقیق به بررسی رابطه توأمان ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری و همچنین تأثیر آنها بر پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران و طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ به روش پانل دیتا پرداخته است. بر این اساس برای بررسی تأثیر ریسک های نقدینگی و اعتباری بر پایداری مالی از رگرسیون چندک (کوانتیل) استفاده شده است. نتایج بررسی نشان دهنده تأثیر منفی و معنی دار این دو ریسک بر پایداری مالی در اکثر دهک های مورد بررسی است به طوری که با افزایش در پایداری مالی، تأثیر این دو ریسک بر پایداری کاهش می یابد. به بیان دیگر بانک هایی که در دهک های بالای توزیع پایداری قرار دارند تأثیرپذیری کمتری از ریسک های نقدینگی و اعتباری دارند. این مهم نشان دهنده این است که افزایش در ریسک های اعتباری و ریسک نقدینگی منجر به کاهش بیشتر پایداری در بانک های تجاری واقع در دهک های پایین می شوند. به عبارتی تأثیر ریسک اعتباری و نقدینگی بر معیار پایداری مالی بیشتر کاهشی است. این بدان معنی است که تأثیر مثبت ریسک های اعتباری و نقدینگی در نقاط بالاتر ناپایداری مالی بیشتر است و در بانک هایی که ثبات مالی کمتری دارند ریسک های اعتباری و نقدینگی منجر به وخیم شدن ناپایداری و افزایش احتمال ورشکستگی می گردد.

بررسی تأثیر نااطمینانی کلان اقتصادی بر ریسک نقدینگی بانک های ایران (۱۳۹۵)

این پژوهش به بررسی تأثیر نوسانات کلان اقتصادی بر ریسک نقدینگی بانک ها در ایران می پردازد. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که نوسانات متغیرهای تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ ارز و شاخص قیمت سهام به عنوان مهم ترین متغیرهای کلان اقتصادی، تأثیر معنی داری بر ریسک نقدینگی بانک ها دارند. بنابراین افزایش نوسانات در اقتصاد منجر به کمبود نقدینگی و تغییر ترکیب سپرده های بانک ها شده و در نهایت بانک ها در معرض ریسک نقدینگی بالاتری قرار خواهند گرفت.

مدل سازی ریسک نقدینگی بانک اقتصاد نوین با استفاده از شبکه های عصبی (۲۰۱۶)

این پژوهش به مدل سازی ریسک نقدینگی با استفاده از شبکه های عصبی پرداخته است. در اینجا هدف به طور مشخص بررسی کارایی مدل شبکه های عصبی چند لایه پرسپترون در پیش بینی ریسک نقدینگی شعبات بانک اقتصاد نوین در استان خراسان رضوی و طی سال های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۴ می باشد. پژوهش حاضر در زمره پژوهش های کاربردی است و قصد دارد به مدل سازی ریسک نقدینگی با استفاده از شبکه های عصبی بپردازد و به این مسأله پاسخ دهد که آیا مدل شبکه عصبی پرسپترون برای پیش بینی ریسک نقدینگی شعبات بانک اقتصاد نوین در استان خراسان رضوی مدل کارایی است؟ الگوریتم یادگیری استفاده شده در این تحقیق، الگوریتم پس از انتشار خطاست. پیاده سازی مدل شبکه های عصبی با استفاده از برنامه نویسی در محیط نرم افزار جامع Matlab با بهره جستن از Toolbox صورت می گیرد. پس از برآورد مدل، با مقایسه نتایج واقعی ریسک نقدی شعبات بانک مذکور و نتایج برآورد شده بر اساس داده های گروه های آزمایش، کارایی مدل در پیش بینی ریسک نقدینگی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش بیان می کند که مدل شبکه های عصبی مصنوعی پرسپترون، در پیش بینی ریسک نقدینگی از بیشترین کارایی برخوردار است.

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر از نظر هدف، نظری و از نظر ماهیت نیز تفسیری-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات و ادبیات پژوهش به صورت کتابخانه ای و اسنادی بوده است که به صورت فیش برداری از مجموعه مجلات داخلی ایرانی و خارجی واقع در سایت های معتبر علمی و نشریات مورد تأیید وزارت علوم برداشت و استفاده شده است.

تشریح ابعاد موضوع

ریسک به معنی احتمال عدم تحقق نتایج مورد انتظار یا احتمال محقق نشدن پیش بینی های آینده است. مدیریت ریسک به مفهوم برنامه ریزی و سازماندهی و کنترل فعالیت ها و منابع، جهت به حداقل رساندن تأثیر حوادث نامشخص و نامعلوم در حفظ تعادل مالی و توان عملیاتی مؤسسات می باشد. پس مدیریت ریسک عبارت است از شناسایی، اندازه گیری و کنترل ریسک هایی که سازمان را تهدید می کند که هر مرحله از آن به شرح زیر است:

- شناسایی: تعیین استانداردها و الگو برای شناسایی و مدل سازی ریسک
- اندازه گیری: تعیین مقدار کمی ریسک مورد نظر بر اساس مدل های تعریف شده
- کنترل نظارت: نظارت بر وضعیت ریسک در سطح بانک و اطمینان یافتن از جایگیری ریسک در محدوده قابل پذیرش برای بانک (یزدان پناه و شکیب حاجی آقا، ۱۳۸۸).

ثبات مالی

بر اساس دیدگاه علاود و آل صادق (۲۰۰۸) در تعریف ثبات و پایداری مالی دو گرایش عمده وجود دارد: گرایشی که به دنبال تعریف ناپایداری مالی است و گرایشی که به دنبال پایداری مالی است. به نظر علاود و آل صادق (۲۰۰۸) یک نظام مالی زمانی باثبات است که قابلیت تسهیل عملکرد اقتصاد و رفع عدم تعادل های مالی درون زا و یا پیش بینی نشده را داشته باشد. در گرایش مقابل به نظر میشکین (۲۰۱۰) ناپایداری مالی زمانی به وجود می آید که شوک های وارده به نظام مالی از طریق مداخله در جریان اطلاعات باعث ناتوانی نظام مالی در انجام وظیفه اصلی خود یعنی تخصیص بهینه وجوه شود. وی معتقد است تقویت ثبات نظام مالی مانع از بروز بحران های مالی شده و باید یکی از اهداف سیاست مالی باشد؛ چرا که بحران های مالی مانع از توانایی بازارهای مالی در هدایت بهینه جریان وجوه به سمت سرمایه گذاری های مولد شده و افت شدید فعالیت های اقتصادی را به دنبال دارد.

به طور کلی وجود یک نظام بانکی با ثبات که حاصل برخورداری از شاخص های مالی مناسب از قبیل: نسبت کفایت سرمایه مناسب، سودآوری با نوسانات پایین و در نتیجه مدیریت انواع ریسک مالی می باشد، بستر مناسبی برای تحقق اهداف اقتصاد کلان و سیاست های مالی خواهد بود.

ریسک نقدینگی

ریسک نقدینگی، عدم توانایی بانک در تأمین وجوه برای اعطای تسهیلات یا پرداخت به موقع دیون خود، نظیر سپرده ها است (تراپ، ۱۹۹۹). از نگاهی دیگر، نقدینگی خاصیتی از دارایی ها است که به زمان و هزینه تبدیل آنها به پول بستگی دارد. به عبارتی، هزینه مبادله یک دارایی با پول، معیاری برای سنجش نقدینگی آن دارایی است (فرجی، ۱۳۸۲). توانایی افزایش وجوه و انجام به موقع تعهداتی که سررسید آنها فرا می رسد، قطعاً لازمه ادامه حیات بانک هاست. بنابراین مدیریت نقدینگی از اهم اموری است که توسط بانک ها انجام می شود و این اطمینان را برای بانک به وجود می آورد که بتواند بدهی های خود را از طریق جریان وجوه نقد بدون نیاز به بازار بین بانکی و تأمین مالی در نرخ های بالا یا فروش دارایی ها در قیمتی غیر معمول بپردازد (یزدان پناه و شکیب حاجی آقا، ۱۳۸۸).

براساس مطالعه هانگ و همکاران (۲۰۱۴) ریسک نقدینگی سیستماتیک تأثیر معناداری بر تجربه ورشکستگی بانک ها در سال های ۲۰۱۰-۲۰۰۹ بعد از بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ داشته است.

پیش بینی های نظری آکاریا و نقوی (۲۰۱۲) در رابطه با اثرات کوتاه مدت نقدینگی بر ریسک پذیری و ثبات بانک ها نشان می دهد سطوح بالای دارایی های نقد شونده و نیز هزینه های بالا می تواند به طور بالقوه منجر به ریسک فزاینده بانکی شود. آنها معتقدند بانک هایی که به واسطه سطوح بالای سپرده با ریسک نقدینگی پایینی مواجه هستند به سمت ریسک پذیری بیشتر با کاهش استانداردهای وام دهی یعنی افزایش حجم اعطای تسهیلات با کاهش نامعقول نرخ بهره به منظور کسب سود تمایل پیدا می کنند. ون گرونینگ و براتانویک (۲۰۰۳) در رابطه با مدیریت ریسک نقدینگی معتقدند که پیش بینی رویداد های احتمالی در آینده بخش مهم ریزی نقدینگی و مدیریت ریسک نقدینگی است. تحلیل خالص وجوه مورد نیاز مستلزم تدوین جدول پلکانی زمانی برای سررسید ها و محاسبه جمع خالص اضافه یا کسری منابع در تاریخ های تعیین شده است. بانک ها برای جریان ورودی و خروجی وجوه نقد باید به جای توجه به دوره های تعیین شده (سررسید) طبق قرارداد جریان های نقدی مورد انتظار را به طور منظم برآورد نمایند. شایان ذکر است که بر اساس ادبیات مرتبط با مدیریت ریسک نقدینگی نگهداری وجه نقد یا دارایی های نقد شونده بدون بازده به گونه ای نباشد که صرف اطمینان از وجود نقدینگی کافی و عدم تهدید ریسک نقدینگی، بازدهی و سودآوری بانک را کاهش داده و بانک را آسیب پذیر نماید. در واقع مدیریت ریسک نقدینگی صرفاً به معنای اجتناب از نکول نیست بلکه بیشتر بر مدیریت نقدینگی حتی الامکان به صورت کارا یعنی دست یابی به هدف (تأمین به موقع نقدینگی) با کمترین هزینه متمرکز است.

ارتباط ریسک نقدینگی و ثبات مالی

کمبود نقدینگی می تواند منجر به آسیب و ایجاد خلل در پورتفوی دارایی-بدهی شده و درماندگی مالی یا نکول بانک را به همراه داشته باشد. این مشکل از آنجا نشأت می گیرد که دارایی های غیر نقد (وام و تسهیلات) از طریق بدهی های کوتاه مدت (سپرده ها) تأمین می شود و کمبود نقدینگی، بانک ها را به سمت ورشکستگی سوق می دهد (راجی و حصارى، ۲۰۱۳). آکاریا و مورا (۲۰۱۵) نیز شواهدی ارائه می دهند که بانک های ورشکسته در طول بحران مالی قبل از وقوع بحران نسبت به بانک های سالم با کمبود نقدینگی شدیدش مواجه بودند. آنها استدلال می کنند در این شرایط بانک های ورشکسته یا نزدیک به ورشکستگی به منظور تلاش برای جذب سپرده ها، نرخ بهره سپرده بالاتری پیشنهاد می دهند. به طور غیر مستقیم نتیجه این امر منجر به وقوع همزمان ریسک نقدینگی و اعتباری (به دلیل افزایش نرخ بهره) می باشد که می تواند منجر به نکول بانک ها شود.

بررسی ادبیات موجود نشان می دهد حجم بالای تسهیلات غیر جاری بیانگر دارایی هایی است که بایستی به چرخه فعالیت های نظام بانکی به عنوان هدایت گر منابع و سپرده های افراد به سمت فعالیت های تولیدی، اشتغال و سرمایه گذاری باز می گشت اما از این فرایند خارج شده و چه بسا در بخش های نامولد (فعالیت های سوداگرانه) به کار گرفته شده باشد. این امر مانع از گردش صحیح نقدینگی در نظام بانکی کشور می شود، چرا که بانک ها از محل سپرده های افراد اقدام به اعتبار دهی می کنند و از طرفی ملزم به پرداخت سود تضمین شده به سپرده گذاران می باشند. در این شرایط عدم کسب سود مورد انتظار از اعتبارات اهدایی و به ویژه عدم بازپرداخت اصل اعتبارات به همراه الزام به پرداخت سود به سپرده گذاران سودآوری بانک را کاهش داده و چنین زبانی می تواند از محل سرمایه بانک و یا دریافت اعتبار از بازار بین بانکی و یا بانک مرکزی جبران شود که آن هم با هزینه همراه است. این فرایند به خودی خود علاوه بر کاهش نقدینگی بانک و به تبع آن افزایش ریسک نقدینگی منجر به کاهش توان مالی بانک برای اعطای تسهیلات مجدد و تخصیص منابع به بخش های مختلف اقتصادی و شرکت در سایر سرمایه گذاری ها می شود. برآیند این شرایط می تواند با تضعیف فاکتورهای اصلی پایداری و ثبات مالی یعنی کاهش بازدهی به همراه افزایش نوسانات بازدهی و نیز کاهش سرمایه به منظور جبران زیان ها منجر به ناپایداری و بی ثباتی مالی نظام بانکی شود.

تولید ناخالص داخلی و ریسک نقدینگی

تولید ناخالص داخلی، شاخص عملکرد اقتصاد و نشان دهنده وضعیت اقتصادی کشور است. افزایش نرخ رشد اقتصادی نشان دهنده بهتر شدن شرایط اقتصادی است، بنابراین در شرایط بهبود و رشد اقتصادی، انتظار افزایش نقدینگی بانک ها و کاهش مشکلات نقدینگی می رود. بر همین اساس یک رابطه مثبت میان نقدینگی بانک ها و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی وجود دارد (تسفاى و کونکلی، ۲۰۱۳). نوسان و بی ثباتی در تولید ناخالص داخلی، علاوه بر اثرات منفی بر سطح فعالیت های اقتصادی و درآمد حاصل از آن، سطح سرمایه گذاری و سود و درآمد حاصل را نیز تحت تأثیر قرار داده و توانایی پرداخت تعهدات سرمایه گذاران و تسهیلات گیرندگان از بانک ها را کاهش می دهد. همچنین با افزایش سطح مطالبات معوق، حجم منابع بانکی کاهش خواهد یافت و ترس ناشی از دست دادن دارایی ها و کاهش ارزش آنها منجر به بی اعتمادی مشتریان و سپرده گذاران به سیستم بانکی شده و بنابراین افراد و سپرده گذاران در شرایط بی ثباتی و نوسانی اقتصاد تمایل بیشتری برای ورود به بازارهای باثبات تر و مصون از پیامد نوسانات تولید ناخالص داخلی، خواهند داشت. در نهایت افزایش هجوم مشتریان برای خروج سپرده های مدت دار (غیر جاری) خود از بانک ها و ناکافی بودن منابع بانک ها، به مشکلات ناشی از کمبود نقدینگی دامن زده و آنها را در معرض ریسک نقدینگی قرار خواهد داد.

تورم و ریسک نقدینگی

تورم از جمله شاخص های نشان دهنده بی ثباتی اقتصاد بوده و افزایش آن منجر به افزایش بی ثباتی اقتصاد می شود (احمدیان و کیانوند، ۱۳۹۳). نرخ تورم انگیزه بانک ها را برای نگهداری میزان نقدینگی تحت تأثیر قرار می دهد، چرا که افزایش تورم، ارزش واقعی دارایی ها (نه فقط وجه نقد، بلکه نرخ بازده واقعی تمام دارایی ها) و همچنین درآمد و سودآوری بانک ها را از محل اعطای تسهیلات کاهش می دهد.

نااطمینانی و بی ثباتی تورم دو اثر اقتصادی دارد؛ یکی تغییر تصمیم گیری های آتی که افراد و سرمایه گذاران را به فعالیت هایی متفاوت با آنچه مایل به انجام آن بودند، می کشاند. دیگری، تغییر تصمیم های اتخاذ شده در قبل (ناتمام گذاشتن

و یا حتی تغییر پروژه‌های در حال تکمیل (چنانچه تورم با آنچه انتظار می رفت ، تفاوت داشته باشد. استابری بر این باور است که ناطمینانی تورم تاثیر منفی بر سرمایه گذاری ها داشته و در بلندمدت بازارهای مالی را از بین می برد. تاثیر منفی ناطمینانی تورم بر سرمایه گذاری ناشی از دشوار بودن اندازه گیری نرخ سود واقعی و نرخ بازده داخلی سرمایه گذاری ها در شرایط ناطمینانی است. به عقیده استابری، با افزایش ناطمینانی در آینده، هزینه سرمایه گذاری افزایش می یابد و منجر به کاهش سرمایه گذاری های جدید خواهد شد. همچنین سرمایه گذاران قادر به پرداخت تعهدات خود نبوده و این مساله منجر به افزایش حجم مطالبات معوق بانک ها خواهد شد (میرزایی، فلیحی و مشهدیان ملکی ، ۱۳۹۰). مهر آرا و صحتی (۱۳۹۰) در بررسی تاثیر ناطمینانی شاخص های اقتصاد کلان بر عملکرد اعتباری بانک های ایران به این نتیجه دست یافتند که ناطمینانی مبتنی بر شاخص بهای مصرف کننده و شاخص بهای تولید کننده، تاثیر معنی داری بر عملکرد اعتباری بانک ها دارد. در واقع، افزایش ناطمینانی های تورمی باعث افزایش ریسک اعتباری بانک ها شده و احتمال زیانهای سنگین ناشی از اعطای وام افزایش می یابد. بنابراین در کنار افزایش مطالبات معوق و ریسک اعتباری، بی اعتمادی نسبت به سیستم بانکی به دلیل کاهش منابع بانکی، افزایش خواهد یافت و ناطمینانی تورم با تاثیر بر نرخ بازده واقعی داراییها (از جمله سپرده های بانکی)، سرمایه گذاری در بازارهای موازی همچون ارز و طلا را برای برخی جذاب تر کرده و گردش پول در آنها زیاده تر می شود. بنابراین علاوه بر کاستن از حجم سپرده های مدت دار و افزودن به سپرده های کوتاه مدت بانک، مشتریان و سپرده گذاران نیز به دلیل بی اعتمادی به بانک جهت خروج سپرده های مدت دار خود هجوم آورده و این افزایش تقاضا، ناکافی بودن منابع نقد بانک ها را برای ایفای تعهدات به تقاضای مشتریان تشدید کرده و بانک ها را بیشتر در معرض ریسک نقدینگی قرار پاسخ به خواهد داد.

نرخ ارز و ریسک نقدینگی

افزایش نرخ ارز از یک سو منجر به افزایش ارزش دارایی های ارزی و از سوی دیگر باعث کاهش ارزش پول داخلی می شود. بازار دارایی های ارزی نیز که بازاری موازی سپرده های بانکی است با افزایش نرخ ارز، جذاب تر شده و به دلیل کاهش ارزش پول داخلی، سپرده گذاران را برای ورود به این بازار متمایل تر خواهد کرد. پس با افزایش تقاضای نقدینگی و کمبود منابع نقد برای تامین تعهدات، بانک با مشکل نقدینگی مواجه و در معرض ریسک نقدینگی قرار خواهد گرفت. گلدستین و ترنر (۱۹۹۶) معتقدند که افزایش نرخ واقعی ارز معمولا منجر به بروز بحران های بانکی می شود و دلیل این امر اثر منفی افزایش نرخ ارز بر سودآوری شرکت ها و ارزش پول داخلی است که در نتیجه این امر منجر به کاهش قدرت بازپرداخت وام از جانب آنها می شود. همچنین مشتریانی که بر اساس نرخ گذشته اقدام به گشایش اعتبار اسنادی کردند و مبالغی را به عنوان پیش پرداخت (بر اساس نرخ ارز زمان گشایش) پرداخته و بر اساس همان نرخ اقدام به فعالیت بازرگانی کرده اند و با افزایش در نرخ ارز از پرداخت تعهداتشان ناتوان شده که افزایش حجم مطالبات معوق را به دنبال دارد. در نتیجه ریسک اعتباری افزایش می یابد و این به نوبه خود منجر به کاهش جریان های ورودی وجوه به بانک شده و بانک را با کاهش منابع و وجوه نقد مواجه ساخته و در معرض ریسک نقدینگی قرار خواهد داد. تایوو و همکاران (۲۰۱۳) در بررسی تاثیر نوسانات نرخ ارز بر عملکرد بانک ها به این نتیجه رسیدند که نوسانات نرخ ارز منجر به افزایش سهم وام های معوق می شود، بنابراین ثبات نرخ ارز برای بهبود توانایی بخش بانکی لازم و ضروری است. به طور کلی افزایش بی ثباتی نرخ ارز و سیاستهای بی ثبات اقتصادی باعث از بین رفتن نظم بازار و ایجاد بحرانهای مالی می شود. از جمله تبعات بحرانهای مالی، وحشت و هجوم سپرده گذاران برای برداشت سپرده هایشان از بانک ها و در نهایت در معرض ریسک نقدینگی قرار گرفتن بانک ها است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۰).

شاخص قیمت سهام و ریسک نقدینگی

اولین و مهم ترین عامل موثر بر تصمیم گیری سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار، شاخص قیمت سهام است. از شاخص های بازار سرمایه به عنوان دماسنج اقتصاد نام برده می شود به طوری که رشد شاخص قیمت سهام، مبین رشد اقتصادی است و بازار سرمایه رقیبی برای بازار فلزات قیمتی از جمله طلا، سپرده های بانکی و ... نیز محسوب می شود. شرایط خاص بازار سهام در کشور ما، آن را از ویژگی دماسنجی خود دور ساخته و تغییر قیمت آن به عوامل متعدد دیگری بستگی پیدا کرده است (صمدی، شیرانی فخر و داورزاده، ۱۳۸۵). عوامل موثر بر قیمت سهام را به دو دسته کلی عوامل داخلی و خارجی تقسیم کرده اند: ۱- عوامل داخلی که شامل عوامل موثر بر قیمت سهام مرتبط با عملیات و تصمیمات شرکتها است (

عایدی هر سهم، سود تقسیمی هر سهم، نسبت قیمت به درآمد و ...) ۲- عوامل خارجی که شامل وقایع و حوادث و تصمیم گیری های خارج از شرکت مانند عوامل سیاسی و عوامل اقتصادی است که رونق و رکود بورس را تحت تاثیر قرار می دهد به طوری که در دوره رونق اقتصادی با افزایش سرمایه گذاری در سهام شرکت های دارای رشد، قیمت سهام آن ها افزایش و در دوره رکود به دلیل برتری سرمایه گذاری در داراییهای مالی با در آمد ثابت نسبت به سهام عادی کاهش می یابد. هنگامی که اقتصاد در دوره رونق قرار می گیرد، شاخص بورس (شاخصی پیشرو و معروف به دامسنج اقتصاد در ادبیات اقتصاد مالی) نیز هم جهت با رشد اقتصادی از روندی مثبت برخوردار است و اشتیاق برای ورود به بازار سهام به دلیل سود آور بودن آن نسبت به نگهداری دارایی ها به صورت پول نقد افزایش می یابد و این افزایش تقاضا برای سرمایه گذاری در بازار سهام منجر به تغییر ترکیب سپرده های بانکی به سمت سپرده های فرار و خروج سپرده ها و در نهایت کمبود نقدینگی و افزایش ریسک نقدینگی خواهد شد، اما در دوران رکود، بازده سپرده های بانکی جذاب تر از در آمدزایی دارایی هایی چون طلا، ارز و مانند آنهاست، بنابراین به سبب کاهش میزان تقاضا و تمایل برای ورود به بازار سهام، بانک ها با مشکلات کمبود نقدینگی مواجه خواهند شد.

بر همین اساس بروز ناطمینانی و نوسان در این متغیر با تحت تاثیر قرار دادن ارزش سهام بنگاه ها و ناطمینانی در درآمد سرمایه گذاران و بازده فعالیت های اقتصادی منجر به ناتوانی در پرداخت بدهی ها و افزایش حجم مطالبات معوق بانک ها می شود. در این شرایط با افزایش هجوم مشتریان به بانک ها برای خروج سپرده ها، بانک با کمبود منابع نقدی برای ایفای تعهدات به مشتریان مواجه می شوند و در نهایت در معرض ریسک نقدینگی قرار می گیرند.

نتیجه گیری

ریسک نقدینگی یکی از خطرهای مهم موجود برای هر نظام بانکی است، ریسک نقدینگی ناتوانی بانک در پوشش تعهدات مالی خود در سررسید بدون تحمل هزینه است. هدف محققان این است که میزان مناسب متغیرهای ورودی و خروجی سیستم نقدینگی را در حد مطلوب ارائه کنند تا بتوانند نسبت های مؤثر بر نقدینگی بانک را در حد استاندارد رعایت کنند.

در کشورهایی با نظام غیر آزاد که نظام بانکی توسط دولت و بانک مرکزی حمایت می شود، مسئله هجوم بانکی به معنای آنچه که در رابطه با وقوع ریسک نقدینگی در ادبیات ذکر شده موضوعیت ندارد، اما به هر حال با وجود ریسک نقدینگی یا به عبارتی ناطمینانی از پوشش تقاضای وجه نقد در آینده، بانک ها ناگزیر به نگهداری دارایی های بدون بازده با نقد شوندگی بالا می شوند و این خود عاملی است که می تواند بانک ها را از کسب بازدهی و درآمد سایر سرمایه گذاری ها باز دارد. بررسی پویای روند گذشته تقاضای وجه نقد توسط مشتریان و سایر الزامات نقدینگی و نیز انتخاب پرتفوی سرمایه گذاری سودآور با ریسک پایین به منظور کنترل ریسک نقدینگی و در نتیجه نگهداری بهینه دارایی های نقدشونده می تواند نقش اساسی در بهبود ثبات بانکی داشته باشد. البته بیمه سپرده ها و استفاده از توافق نامه های باز خرید رپو، با هدف تأمین مالی کوتاه مدت می توانند راهکارهای دیگری برای مدیریت ریسک نقدینگی به شمار آیند.

از آنجا که مهمترین و اساسی ترین روش تأمین مالی بانک ها از طریق سپرده های گوناگون می باشد، لذا به منظور مدیریت بهتر ریسک نقدینگی، توجه به این بخش مهم است. بانک ها ریسک نقدینگی را به طور سیستماتیک و منظم از طریق تطابق نمودار سررسید دارایی ها و بدهی های خود، به ویژه در زمان هایی که سررسید آنها نزدیک است، از روی احتیاط و با نگهداری ذخایر نقد از قبیل وجه نقد نزد سایر بانک ها و اوراق بهادار دولتی قابل فروش در بازار، مدیریت می کنند.

با توجه به تاثیر قابل تأمل بی ثباتی متغیرهای اقتصاد کلان بر ریسک نقدینگی بانک های تجاری، پیشنهاد می شود: شاخص های بی ثباتی به طور مرتب علاوه بر دولت و بانک مرکزی، توسط بانک ها نیز بررسی شده و سیاست هایی برای کنترل و کاهش بی ثباتی اقتصاد کلان و یا حداقل راهکارهای مناسب جهت روبرویی با آن را اتخاذ کنند تا از پیامد های زیان آور بی ثباتی اقتصاد کلان و افزایش ریسک نقدینگی بانک ها و به دنبال آن بروز زیان و ورشکستگی بانک ها جلوگیری شود. در این راستا بانک ها باید در اعطای تسهیلات به مشتریان با دقت و حساسیت بیشتری عمل نمایند و به مواردی چون اخذ تضامین مناسب توجه نمایند، زیرا اعطای تسهیلات بالا که افزایش ریسک نقدینگی را به همراه دارد و عدم بازگشت به موقع اصل و فرع وام ها که افزایش ریسک اعتباری را به دنبال دارد، باعث کاهش سودآوری بانک ها و ناپایداری مالی خواهد شد.

بر اساس نتایج بدست آمده، متغیرهای: بدهی به بانک مرکزی، بدهی به سایر بانک ها، هزینه تأمین مالی و حجم اوراق

مشارکت، عوامل مؤثر بر ریسک نقدینگی در بانک‌های تجاری می‌باشند. پس با افزایش آنها ریسک نقدینگی پدید می‌آید. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

- ۱- با برنامه ریزی دقیق نقدینگی در بانک، مدیریت صحیح و کنترل هوشمندانه این فرآیند و اخذ بازخورد از عملکرد آن جهت تصحیح خطاهای احتمالی اقدام شود.
- ۲- با توجه به اینکه با افزایش کل سپرده‌ها، ریسک نقدینگی کاهش می‌یابد، پیشنهاد می‌گردد مدیریت بدهی به معنای جذب فعال سپرده به منظور پاسخگویی به نیازهای مالی بانک انجام گیرد و قیمت گذاری رقابتی سپرده‌ها به شکل نرخ سود سپرده‌های دیداری و مدت دار انجام گیرد.
- ۳- با توجه به اینکه با افزایش سپرده فرار، ریسک نقدینگی نیز افزایش می‌یابد، پیشنهاد می‌شود مدیریت ریسک در ترازنامه بانک تنظیم شود.
- ۴- با توجه به خاص بودن ریسک نقدینگی هر بانک، پیشنهاد می‌گردد تا واحد مدیریت ریسک نقدینگی تشکیل گردد و اثربخشی و کارایی آن به صورت مداوم مورد ارزیابی قرار گیرد.

همچنین به نهادهای قانونی بانک مرکزی پیشنهاد می‌شود به منظور کاهش ریسک کلی بانک‌ها، در خصوص تدوین قوانین لازم الاجرا و سخت گیرانه تر برای اعمال ذخایر قانونی، توجه و اهتمام بیشتری داشته باشند. به سهام داران و سرمایه گذاران پیشنهاد می‌شود در تصمیمات سرمایه گذاری خود در بانک‌ها به معیارهای متفاوت ریسک نقدینگی آنها توجه کنند و آگاهی خود را در این خصوص افزایش دهند. به متولیان و قانون گذاران بازار سرمایه نیز پیشنهاد می‌شود در خصوص سرمایه گذاری در مؤسسات مالی و بانک‌ها اطلاعات جامعی را در دسترس قرار دهند.

منابع

- احمدیان، اعظم؛ کیانوند، مهران (۱۳۹۳)، شناسایی عوامل مؤثر بر احتمال هجوم بانکی، پژوهشکده پولی و بانکی، شماره ۷۱.
- اسدی، زهره؛ یآوری، کاظم؛ حیدری، حسن (۱۳۹۹)، بررسی اثرات ریسک نقدینگی و اعتباری بر ثبات بانکی ایران با استفاده از شاخص Z-score، نشریه سیاست گذاری اقتصادی، شماره ۲۳.
- اسدی، غلامحسین؛ عبده تبریزی، حسین؛ بختیاریان، طیبه (۱۳۹۸)، بررسی تعامل راهبردی در ریسک نقدینگی در بانک‌های ایران، نشریه پژوهش‌های پولی - بانکی، شماره ۴۰.
- بزرگ اصل، موسی؛ برزیده، فرخ؛ صمدی، محمدتقی (۱۳۹۷)، تأثیر ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری بر پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران؛ رهیافت رگرسیون چندک، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار سال یازدهم، شماره ۳۸.
- جلیلیان، نگار؛ زنجیرچی، سیدمحمود؛ ناصر صدرآبادی، علیرضا (۱۳۹۹)، مدیریت ریسک نقدینگی و مشارکت مشتریان در تأمین نقدینگی بانکی، نشریه کاوش‌های مدیریت بازرگانی، شماره ۲۳.
- خشنود، زهرا؛ خوانساری، رسول (۱۳۹۱) نقد رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، شماره ۱۳.
- رادفر، هادی؛ شاهچرا، مهشید؛ صبوری، بهناز (۱۳۹۸)، تأثیر همزمان ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری بر ثبات بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، شماره ۲۷.
- زرهی، حامد؛ نظام پور، عشرت (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر نرخ سود بین بانکی بر ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، شماره ۴.

زواریان، زهرا. (۱۳۸۸). پیش بینی وضعیت جریان نقدینگی بانک به منظور تعیین نیاز نقدینگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

فرامرزی، فاطمه؛ لشکری، محمد؛ بافنده ایماندوست، صادق (۲۰۱۶) مدل سازی ریسک نقدینگی بانک اقتصاد نوین با استفاده از شبکه های عصبی، پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری .

فرجی، یوسف (۱۳۸۲). آشنایی با ابزارها و نهادهای پولی و مالی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.

کفائی، محمدعلی؛ راهزانی، محبوبه (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر نااطمینانی کلان اقتصادی بر ریسک نقدینگی بانک های ایران، پژوهش نامه اقتصادی (دانشگاه علامه طباطبائی).

مهرآرا، محسن؛ صحتی، الهام (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر نااطمینانی شاخص های اقتصاد کلان بر عملکرد اعتباری بانک ها در ایران، نشریه پژوهش نامه اقتصادی (دانشگاه علامه طباطبائی)، شماره ۴۳.

میرزایی، حسین؛ فلیحی، نعمت؛ مشهدیان ملکی، محمدرضا (۱۳۹۱)، تأثیر نااطمینانی متغیرهای کلان اقتصادی (نرخ ارز و نرخ تورم) بر روی ریسک اعتباری مشتریان حقوقی بانک تجارت، نشریه اقتصاد مالی و توسعه، شماره ۱۸.

میشکین، فردریک اس (۱۳۸۹). اقتصاد پول و بانکداری و بازارهای مالی، حسین قضاوی؛ مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

یزدان پناه، احمد؛ شکیب حاجی آقا، سکینه (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر ریسک نقدینگی بانک ها (مطالعه موردی بانک ملت). مجله مطالعات مالی، شماره سوم.

- Acharya, V. V. & Mora, N. (2015). "A Crisis of Banks as Liquidity Provider ". The Journal of Finance 70(1).
- Acharya, V & Naqvi, H. (2012). "The Seeds of a Crisis: A Theory of Bank Liquidity and Risk Taking Over the Business Cycle". Journal of Financial Economics 106(2).
- Alawode, A. and Al Sadek, M. (2008). "What is Financial Stability". Financial Stability Paper Series 1.
- Bikker, J. (Ed). (2017). Pension Fund Economics and Finance: Efficiency, Investments and Risk-Taking. Routledge.
- Ghenimi, A., Chaibi, H., Omri, M, A, B,. The effects of Liquidity risk and credit risk on bank stability: Evidence from the MENA region (2017). Borsa Istanbul Review.
- Imbierowicz, B & Rauch, C. (2014). "The Relationship between Liquidity Risk and Credit Risk in Banks". Journal of Banking & Finance 40: 242-256.
- Khan, M. S., Scheule, H., & Wu, E. (2016). Funding liquidity and bank risk taking. Journal of banking and finance, 82.
- Mazin A.M. (2009). Asset Market Liquidity Risk Management: A Generalized Theoretical Modeling Approach for Trading and Fund Management Portfolios. UAE University. White paper.
- Rajhi, W. & Hassairi, S. A. (2013). "Islamic Bank and Financial Stability: Comparative Empirical Analysis between MENA and Southeast Asian Countries". Region et development 37.
- Tankoyeva. V. Bazzana, F. & Gabriele, R. (2018). The Stability of the Financial System: An analysis of the Determinants of Russian Bank Failures, Research Handbook of Investing in the Triple Bottom Line, 114.

- Tripe ,David. (2008). Liquidity risk in Bank; Massey University; New Zealand .
- Van Greuning, H. & Brajovic Bratanovic, S. (2003). Analyzing and Managing Banking Risk: a Framework for Assassing Corporate Governance and Financial Risk Management , Washington, DC: World Bank.